

من فهمیدم که وطن دوستی و میهن پرستی به تنهایی کافی نیست
و می بایست نسبت به هیچ کس بغض و کینه نداشته باشم.



آیا شناسنامه‌ها یادگان است؟

اداره ثبت احوال نفوس:

پیش از ۳۵ هزار شناسنامه دیجیتالی توزیع شده است

صفحه ۲

اداره عالی تفتیش:

حزب اسلامی از مصرف پول دریافتی از دولت حساب نداده است

سال ۹۶ براساس چند پیشنهاد به حزب اسلامی داده شده است که در چگونگی مصرف آن شفافیت لحاظ نشده است. او می گوید، در احکام که برای پرداخت این پول از سوی رییس حکومت وحدت ملی صادر شده است قرار بوده تا قانون تدارکات در مصرف هزینه پرداختی به حزب اسلامی لحاظ شود، اما اسنادی که نشان دهد شفافیت در این روند لحاظ شده وجود ندارد.

معاون اداره عالی تفتیش برخی دیگر از هزینه‌هایی که از مجرای کودهای احتیاطی به برخی ادارات غیر بودجه‌ی پرداخت شده است را فاقد معیارهای شفافیت و حساب‌دهی دولت خواند.

او بیان داشت که در یک بسته مالی مشابه به یک سازمان غیر انتفاعی غیر دولتی زیر نام «مراقبت افغان» ۱۳ میلیون افغانی به حساب این سازمان ریخته شده اما دلایلی واضح و قانع‌کننده از چرایی پرداخت آن وجود ندارد.

آقای حسینی تصریح کرد که شماری دیگر از اداره‌های غیر بودجه‌ی چون کمیسیون حل منازعات و شورای سراسری علما نیز مبالغی هنگفتی را از مجرای کودهای احتیاطی دریافت کرده، اما علی‌الرغم مکلفیت در حساب‌دهی از چگونگی مصرف آن حساب نداده‌اند.

معاون اداره عالی تفتیش، مبالغی را در ریاست عمومی امنیت ملی که زیر نام «تامین روابط با مردم» و «ایجاد گروپ‌های پارتیزانی» در ۸ ولایت از مجرای کود احتیاط دریافت شده را فاقد معیارهای حساب‌دهی و شفافیت خواند.

مجلس نمایندگان نیز به پرداخت هزینه‌های که بدون در نظر داشت معیارهای شفافیت و حساب‌دهی از مجرای کودهای احتیاط به واحدهای غیر بودجه‌ی انتقاد کرده‌اند.

مسولان در اداره عالی تفتیش می‌گویند که بیش از ۲۹۰ میلیون افغانی از کود احتیاطی دولت به حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار پرداخت شده اما از چگونگی مصرف این پول، حساب داده نشده است.

سید مهدی حسینی، معاون اداره عالی تفتیش دیروز شنبه در یک نشست خبری در کابل از مصرف پول‌های هنگفت خارج از واحدهای بودجه‌ی بدون در نظر داشت معیارهای شفافیت در سال ۹۶ خبر داد.

آقای حسینی گفت که بالغ بر ۲۹۱ میلیون افغانی در جریان



در ادامه ترورهای هدفمند: عبدالصیر حقانی ترور شد



ترور هدفمند علمای دین در سایه بی‌تدبیری نهادهای امنیتی در افغانستان ادامه دارد.

در ادامه این ترورها دیروز مولوی عبدالصیر حقانی، رییس شورای علمای کابل ترور شد. او از چهره‌های بود که پیوسته در برابر اعمال تروریستی موضع می‌گرفت.

مولوی گل‌احمد صدیقی، معاون شورای علمای کابل تصریح کرد که این حمله در حوزه هفتم امنیتی شهر کابل به‌وقوع پیوست.

کشتار علمای برجسته دین از سوی افراد مسلح ناشناس در یک سال اخیر در افغانستان به‌صورت بی‌سابقه افزایش یافته، اما نهادهای امنیتی برای مقابله با این پدیده کاری انجام نداده‌اند.

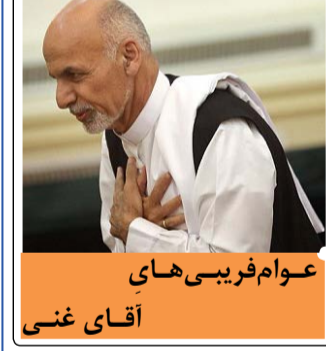
پیش از این نیز شماری از علمای اهل تشیع در ولایت هرات نیز هدف ترورهای سازمان‌یافته توسط افراد مسلح ناشناس قرار گرفته‌اند.

هفته گذشته نیز هتل اورانوس محل اجتماع صدها نفر از علمای اهل سنت هدف حمله انتحاری قرار گرفت که بیش از ۱۴۰ کشته و زخمی به‌جا گذاشت. تاکنون هیچ گروهی مسوولیت حمله مسلحانه به رییس شورای علمای کابل را به‌عهده نگرفته است.

کارشناسان معتقد اند که جریان‌های تکفیری در افغانستان برای ایجاد تفرقه بین مردم مسلمان این کشور تلاش می‌کنند و نهادهای حکومتی نیز هیچ چتر حمایتی برای عالمان دینی میان‌رو ندارند.



ارک حکم ایجاد دانشگاه خصوصی صادر می‌کند!



عوام فریبی‌های آقای غنی



انتخابات ریاست‌جمهوری در زمان تعیین شده برگزار می‌شود

صلاح افغانی در اسارت «شوق استراتژیک» پاکستان

صفحه ۲

عزیزی بانک

برای بار نخست در افغانستان، خدمات «بکسک الکترونیکی» یا (AZI-PAY) را به همه شهروندان کشور فراهم کرده‌است. این بکسک الکترونیکی برای ارسال پول از یک حساب بانکی به حساب بانکی دیگر، ارسال پول از یک بکسک به بکسک دیگر، دریافت کردیت‌کارت به موبایل (اتصالات، امتیاز، سلام و روشن)، درخواست قرض از دوستان، پرداخت بل برق (بدون فیس - تنها در کابل) و بسیاری از امکانات دیگر استفاده می‌شود. شما می‌توانید اپلیکیشن «AZI-PAY» را از گوگل‌پلی و اپ‌ستور به گونه رایگان دانلود (دریافت) و در موبایل تان نصب کنید.



سخن ماندگار

صلح افغانی در اسارت «عمق استراتژیک» پاکستان

یک مقام ارشد پیشین ایالات متحده آمریکا به رسانه‌ها گفته است که پاکستان خواستار پایداری نفوذ طالبان در مناطق هم‌مرز با این کشور پس از برقراری صلح احتمالی در افغانستان است. آقای ویکارام سینگ که زمانی دستیار وزیر دفاع در بخش جنوب آسیا بوده، توضیح داده است که صلح و راه حل سیاسی به طالبان این توان را می‌بخشد که به پاکستان اطمینان بدهند که مرزهای حیاتی جنوب و شرق زیر نفوذ آن‌ها قرار دارد.

اگرچه این چند جمله به‌تندی می‌تواند ضریب ملی‌بودن پروسه صلح و نقش پاکستان در آن را روشن بسازد، اما بازهم برای شکافتن بیشتر میثاق باید این پرسش‌های کلیدی را مطرح نمود که اساساً چرا طالبان به سفارش و تأکید اسلام‌آباد باید بر مناطق جنوبی و شرقی نفوذشان را تثبیت کنند تا خاطر پاکستان راحت و پروسه صلح نهایی گردد؟ میان پاکستان و طالبان چه پیوند عمیقی وجود دارد که تحقق چنین امتیازی در پروسه صلح برای آن‌ها می‌تواند اطمینان خاطر به ارمغان آورد؟

شاید بهترین پاسخ پاکستان به این دو پرسش، این باشد که این کشور به دلیل همسایه‌گی با افغانستان و وجود مرزهای جنجالی میان دو کشور و یک قوم بزرگ، از تثبیت نفوذ سیاسی طالبان در این مناطق استقبال می‌کند و معتقد است که میان ماهیت طالبان و عنعنات مردم جنوب و شرق، سازگاری بیشتر وجود دارد و در نتیجه آرامش بیشتری در هر دو سوی مرز به میان خواهد آمد. اما پرسشی که باز جای طرح و تأمل دارد این‌که: آیا دولت افغانستان با همه طول و عرضش قادر به اطمینان‌بخشی به پاکستان نیست اما یک گروه با سابقه انبوه فعالیت‌های تروریستی می‌تواند اطمینان خاطر را برای اسلام‌آباد به میان آورد؟

واقعیت تلخ این است که تمام مسایل جنگ و صلح در افغانستان، ارتباط مستقیم و مستحکم با خواست‌ها و آرزوهای اسلام‌آباد دارد؛ خواست‌ها و آرزوهایی که حتی ایالات متحده به‌رغم اعلام استراتژی جدید در افغانستان و جنوب آسیا نتوانست آن‌ها را از میدان بیرون سازد. قرار بر این بود که در استراتژی جدید آمریکا در افغانستان، پاکستان به‌دلیل فریب‌کاری در مبارزه با تروریسم، کنار گذاشته شود و جای آن را هندوستان پُر کند؛ اما آنچه در میدان عمل آمریکا را مجبور به مراد با اسلام‌آباد و قایل شدن نقش حداکثری به این کشور در پروسه صلح افغانستان کرده، «ایده عمق استراتژیک» است.

ایده عمق استراتژیک که در نظر سیاست‌مداران نظامی و غیرنظامی پاکستان با ادامه حیات این کشور در نظام بین‌الملل گره خورده، به اسلام‌آباد دیکته می‌کند که پاکستان در نبرد و به عبارتی «جهاد» همیشه‌گی با هند، نیاز به فضای حیاتی دارد و مناطق شرقی و جنوبی افغانستان، بخش اساسی این فضای حیاتی و منطقه امن برای سربازگیری را احتوا می‌کند. آنچه که اکنون آقای ویکارام سینگ زیر عنوان «خواست پاکستان پس از برقراری صلح» عنوان نموده، دقیقاً بازتاب‌دهنده ایده عمق استراتژیک است که به‌نظر می‌رسد آقای ترامپ با همه قهر و درشتی‌هایی که نسبت به اسلام‌آباد نشان می‌دهد، به آن تن داده و با قایل شدن نقش محوری برای پاکستان در صلح افغانستان می‌خواهد آن را تسجیل سازد.

با این اوصاف، طالبان را در بهترین صورت می‌توان یک گروه نظامی‌سیاسی افغان اما شدیداً وابسته به پاکستان خواند و برنامه صلح را می‌توان میدانی برای چانه‌زنی اسلام‌آباد با آمریکا و سایر کشورهای دخیل در قضیه افغانستان تلقی کرد. حکومت افغانستان اما آخرین حلقه و ضعیف‌ترین بازیگر میدان صلح به نظر می‌رسد که به فراتر از دیوارهای ارگ نمی‌اندیشد و به آرزوهای مردم در بازی صلح بها نمی‌دهد!



احمد عمران

صلح افغانستان، یکی از مأموران گوش به فرمان اوست. آقای غنی هراس دارد که مردم او را مثل آقای کرزی رییس‌جمهوری پیشین دست‌نشانده آمریکا و یا غربی‌ها بخوانند. به همین دلیل او نیز در زمانی که آمریکا در حال مذاکره با طالبان است، آستین بالا زده و می‌خواهد با اکت این‌که گفت‌وگوهای صلح تحت قیمومیت حکومت قرار دارد و حکومت هم بنا به وعده خود همه چیز را با مردم در میان می‌گذارد و با آن‌ها مشوره می‌کند، مردم را متقاعد سازد که حکومت آن‌قدر هم که فکر می‌کنند، حکومتی بی‌کفایت نیست.

در گام دوم آقای غنی از این دیدارها به عنوان نوعی کمپاین پیش از وقت به نفع خود استفاده می‌کند. آقای غنی از مدتی به این سو تصمیم قاطع گرفته که در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری در صورت برگزار شدن، شرکت کرده و هر قسم که می‌شود، خود را برنده سازد. به نظر می‌رسد که یکی از آرزوهای اصلی آقای غنی پیش از وداع با جهان این است که یک بار بدون این‌که قدرت را تقسیم کند، حکومت را در دست در اختیار داشته باشد. به همین دلیل، او از حالا تیم‌های مشخصی را توظیف کرده تا به ولایت‌های مختلف رفته و گروه‌هایی از مردم را به نفع او با دادن پول و رشوه بسیج کنند.

هدف و گام سوم آقای غنی از این دیدارها، لاپوشانی ناکامی‌های حکومت وحدت ملی است؛ حکومتی که ظرف پنج سال گذشته به‌جز ناکامی هیچ دستاورد دیگری ندارد. آقای غنی وقتی به چهارطرف خود می‌بیند، بدون شک خجالت می‌کشد و به همین دلیل می‌خواهد در آستانه پایان یافتن عمر حکومت وحدت ملی نشان دهد که تلاش‌های بی‌وقفه و شبانه‌روزی را برای تأمین صلح انجام داده است. اگر تلاش‌های آقای خلیل‌زاد و دیگر جناح‌های ذی‌دخل در مسأله صلح نتیجه داد که آقای غنی آن را می‌تواند در حد مصرف داخلی به نام خود سجل کند و اگر هم نتیجه نداد، می‌تواند مدعی شود که دیگران با مداخله‌های خود نگذاشتند که این پروسه به نتیجه برسد.

در گام دوم آقای غنی از این

دیدارها به عنوان نوعی کمپاین

پیش از وقت به نفع خود استفاده

می‌کند. آقای غنی از مدتی به

این سو تصمیم قاطع گرفته که در

انتخابات آینده ریاست‌جمهوری

در صورت برگزار شدن، شرکت

کرده و هر قسم که می‌شود، خود

را برنده سازد. به نظر می‌رسد که

یکی از آرزوهای اصلی آقای غنی

پیش از وداع با جهان این است

که یک بار بدون این‌که قدرت را

تقسیم کند، حکومت را در دست

در اختیار داشته باشد. به همین

دلیل، او از حالا تیم‌های مشخصی

را توظیف کرده تا به ولایت‌های

مختلف رفته و گروه‌هایی از مردم

را به نفع او با دادن پول و رشوه

بسیج کنند

عوام‌فریبی‌های

آقای غنی

این روزها ارگ شاهد دیدارهای گروهی اشرف‌غنی رییس حکومت وحدت ملی با هیأت‌ها و نماینده‌گانی از سراسر کشور است. این دیدارها که اصلاً به بهانه مشوره در مورد صلح طراحی شده، افزون بر این مسأله ابعاد و هدف‌های دیگری را نیز دنبال می‌کند. افرادی که به این دیدارها دعوت می‌شوند، از طیف‌های مختلف اند و تلاش می‌شود کسانی دعوت شوند که نظر مساعد و مثبت در مورد آقای غنی و کارکردهایش داشته باشند. مشاوران آقای غنی او را کمک می‌کنند که این افراد را در ولایت‌های مختلف تشخیص داده و بعد به‌اصطلاح شکار کنند.

آقای غنی پیش از این، رشته‌دیدارهایی را با سران احزاب جهادی و سیاسی صورت داد و گویا در مورد روند صلح که به‌تازگی از سوی آمریکا داغ شده، مشوره‌هایی صورت گرفت. البته این دیدارها در عرصه صلح هیچ نتیجه‌ی در پی نخواهد داشت و به جز عوام‌فریبی و خاک به چشم مردم زدن، هیچ پیامی را نمی‌رساند. اگر به مصارفی که این‌گونه دیدارها در بر دارد نگاه شود، محصول آن بسیار ناچیز و حتا در حد صفر ارزیابی خواهد شد. وقتی گروه بزرگی از مردم از یکی از ولایت‌ها دعوت می‌شوند، بدون شک مصارف کلانی هم روی دست می‌بازند. این پول‌ها از کجا می‌آید که چنین بی‌مهابا چون ریگ صرف کاری‌های بی‌بهره می‌شود؟ آیا آقای غنی این پول‌ها را از دارایی شخصی‌اش می‌پردازد؟!

بدون شک پاسخ به این پرسش، یک «نه»ی بزرگ است. این پول‌ها که پول‌های گزافی هم هست، از همان محلی گرفته می‌شود که از سوی کشورهای خارجی به نام مردم و بازسازی افغانستان در اختیار حکومت قرار می‌گیرد. با این

پول‌ها می‌شود که از همان محلی گرفته می‌شود که از سوی کشورهای خارجی به نام مردم و بازسازی افغانستان در اختیار حکومت قرار می‌گیرد. با این

خلیل‌زاد نماینده وزارت خارجه آمریکا برای

آیا شناسنامه‌ها یادتان است؟

اداره ثبت احوال نفوس:

بیش از ۳۵ هزار شناسنامه دیجیتالی توزیع شده است

روح‌الله بهزاد



ارگ:

انتخابات ریاست‌جمهوری در زمان تعیین شده برگزار می‌شود

اقتصادی زنان، پروژه‌های بزرگ منطقه‌ای، سکتور خصوصی در کشور، معارف و کیفیت معارف و برنامه‌های حرفه‌ای، مواد مخدر، مصونیت غذایی، معیشت بدیل و مبارزه با خشک‌سالی، مبارزه با فساد اداری، تعهدات سازمان ملل در پیوند به اهداف انکشاف پایدار و روند صلح و نقش زنان در این روند.

آقای چخان‌سوری با بیان این که افغانستان نیاز به شریک ندارد بلکه نیاز به همکاری‌های دوجانبه و همه‌جانبه دارد بیان کرد: افغانستان به عنوان یک شریک موثر در حال تبدیل شدن است که در این نشست بر روی بازاریابی محصولات افغانستان نیز بحث می‌شود.

سخن‌گویی ریاست‌جمهوری وحدت ملی می‌گوید: در نشست‌های مشورتی محمد اشرف غنی با اقشار مختلف جامعه، روی «طرح جامع و منظم برای ایجاد بورد مشورتی» توافق صورت گرفته است و نگرانی‌های اقشار مختلف جامعه در این طرح، در نظر گرفته خواهد شد.

سخن‌گویی رییس‌جمهور در پایان تأکید کرد که انتخابات ریاست‌جمهوری به وقت معین خود برگزار می‌شود و حکومت تمام آماده‌گی‌ها را دارد.

سخن‌گویی ریاست‌جمهوری وحدت ملی می‌گوید که انتخابات ریاست‌جمهوری در زمان مشخص شده برگزار می‌گردد. محمد هارون چخان‌سوری، سخن‌گویی ریاست‌جمهوری وحدت ملی که دیروز در نشست خبری پیرامون روند گفت‌وگوهای صلح و انتخابات ریاست‌جمهوری صحبت می‌کرد، گفت: تعیین هیأت مذاکره کننده، بخشی از کارهای عمده برای پروسه صلح است و روی آن کار جریان دارد، هنوز نهایی نشده است.

این در حالی است که در چند روز گذشته، شماری از رسانه‌های کشور گزارش دادند که حکومت، هیأت ۱۱ نفری را به ریاست عبدالسلام رحیمی، رییس دفتر رییس‌جمهوری وحدت ملی برای گفت‌وگو با طالبان تعیین کرده است.

در عین حال، آقای چخان‌سوری می‌گوید: تفصیلات بیشتر را در موقع که جزئیات بیشتر باشد، شریک می‌سازیم.

او در بخش دیگر صحبت‌های خود به برگزاری کنفرانس ژنو اشاره کرد و هدف از برگزاری آن را بررسی تعهدات حکومت افغانستان نسبت به مردم خواند و گفت: در این نشست محور صحبت‌ها عبارتند از، اتصال منطقه‌ای، توانمندسازی



مسئولان در اداره ثبت احوال نفوس می‌گویند که تا کنون ۳۵ هزار شناسنامه دیجیتالی توزیع کرده‌اند. آنان در مصاحبه با روزنامه ماندگار می‌افزایند که روند توزیع شناسنامه‌های دیجیتالی مشکل قانونی ندارند و به زودی نماینده‌گی‌های دیگر این اداره در سایر ولایت‌ها گشوده خواهند شد.

روح‌الله احمدزی، سخن‌گویی ریاست ثبت احوال نفوس می‌گوید که در حال حاضر چهار مرکز عمومی این اداره در وزیر محمد اکبر خان، کارته چهار، ارزان قیمت و خیرخانه، شناسنامه دیجیتالی توزیع می‌کنند.

آقای احمدزی می‌گوید که در بیش از ۱۱ اداره دولتی نیز مرکزهای ثبت احوال نفوس فعال شده و مراحل اخذ شناسنامه دیجیتالی در آن اداره‌ها جریان دارد.

به گفته سخن‌گویی ریاست ثبت احوال نفوس، تا کنون بیش از ۳۵ هزار شناسنامه دیجیتالی از سوی این اداره توزیع شده است. احمدزی می‌گوید که در آینده نزدیک مرکزهای توزیع شناسنامه دیجیتالی در ولایت‌ها هرات و ننگرهار نیز فعال خواهد شد.

او در پاسخ به این پرسش که بخشی از حکومت با آغاز روند توزیع شناسنامه‌ها مخالف است و موضع این اداره در این زمینه چیست؟ گفت: «ما بر اساس قانون ثبت احوال نفوس کار می‌کنیم و این پروسه با تصویب قانون ثبت احوال نفوس از سوی پارلمان و توشیح رییس حکومت وحدت ملی آغاز شده است، بنا هیچ مشکل قانونی فرار از این پروسه وجود ندارد.» این در حالی است که ریاست اجرایی به عنوان بخشی از حکومت وحدت ملی با آغاز روند توزیع شناسنامه‌های دیجیتالی مخالف است. دکتر عبدالله، رییس اجرایی حکومت پس از آغاز روند توزیع شناسنامه‌ها از سوی ارگ ریاست جمهوری گفت که به دلیل «اختلاف در سطح رهبری» در مورد روند توزیع شناسنامه‌های دیجیتالی، این روند «مشروعیت» ندارد.

از سوی هم، به دنبال آغاز این روند، نزدیک به ۱۲۰ نماینده مجلس، در روز پایانی اجلاس دوم سال ۱۳۹۶، قطع‌نامه‌یی را امضا کردند و در آن مخالفت خود را با آنچه که روند «غیرقانونی تصویب قانون ثبت احوال نفوس» می‌خوانده می‌شد، بیان کردند.

در سال ۱۳۹۲، بعد از دو سال جدال، اعضای مجلس نماینده‌گان توافق کردند که نام و نام خانوادگی، نام پدر، نام پدر بزرگ، محل سکونت فعلی، سکونت اصلی، تاریخ و محل تولد در شناسنامه‌های دیجیتالی درج شود و قانون تصویب شد. محمد اشرف غنی این قانون را در سال ۲۰۱۴ در اولین روزهای آغاز کارش امضا و توشیح کرد. قرار بود که توزیع شناسنامه‌ها آغاز شود، اما در پی اعتراض برخی گروه‌های اجتماعی و سیاسی، این برنامه به تأخیر افتاد.

این اعتراضات سبب شد کمیته قوانین کابینه درصدد تعدیل ماده ششم برآید. در این تعدیل علاوه بر مشخصات فردی، ملیت «افغان»، قومیت و دین افراد نیز در صفحه نخست شناسنامه‌های دیجیتالی ذکر خواهد شد.

این قانون بعد از تعدیل برای تصویب به مجلس فرستاده شد که مجلس نماینده‌گان فرمان آقای غنی را رد و تصویب کرد که درج ملیت و قومیت شهروندان در شناسنامه‌های دیجیتالی ضروری نیست.

بعد از آغاز روند توزیع شناسنامه جنجالی، گروه‌های مختلف سیاسی و فعالان اجتماعی گردهم‌آبی‌های اعتراضی در ولایات مختلف برپا کردند و خواهان توقف توزیع آن شدند.

در همین حال، در بسیاری از ولایت‌های کشور از جمله ولایت پنجشیر، بدخشان و کاپیسا تظاهراتی گسترده مردمی در برابر این تصمیم ارگ راه اندازی شد. شماری از اعضای پارلمان نیز این تصمیم ارگ را غیرقانونی خوانده و خواهان توقف روند توزیع شناسنامه‌های دیجیتالی شدند؛ اما با وجود مخالفت‌های زیاد با آغاز روند توزیع این شناسنامه‌ها، مسئولان اداره ثبت احوال نفوس کشور می‌گویند که توزیع آن به شکل عادی جریان دارد و تاکنون بیش از ۳۵ هزار نفر شناسنامه‌های دیجیتالی گرفته‌اند.

اصل ماجرا

گفتنی است که قانون ثبت احوال نفوس در سال ۱۳۹۳ از سوی پارلمان نهایی، تصویب و برای توشیح به حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین فرستاده شد، اما آقای کرزی به دلایل نامعلوم، از امضای آن سر باز زد و آن را به حکومت وحدت ملی به میراث گذاشت. محمد اشرف غنی این قانون را پانزده روز پس از تکیه زدن به کرسی ریاست حکومت وحدت ملی، توشیح کرد، اما مدتی پس از آن، با پادرمیانی عده‌یی از چهره‌ها از جمله اسماعیل یون، قانون توشیح شده را دور زد و در یک اقدام غیرقانونی، فرمان تقنینی صادر کرد تا پارلمان در پیوند به ماده ششم قانون ثبت احوال نفوس تجدید نظر کند و آن را به پارلمان فرستاد. پارلمان این کار را در تضاد با قانون توشیح شده خواند و ردش کرد و برای توشیح پس به اشرف غنی فرستاد؛ اما اشرف غنی بار دیگر و حین رخصتی‌های تابستانی پارلمان، فرمان تقنینی دیگر صادر کرد و قانون توشیح شده را بار دیگر به مجلس فرستاد. مجلس نماینده‌گان قانون ثبت احوال نفوس را بدون تعدیل در ماده ششم آن، تایید کرد و برای رأی‌گیری به مجلس سنا فرستاد که در نهایت، مجلس سنا نیز فرمان تعدیل این قانون را تایید کرد.

زمانی که میان دو اتاق پارلمان بر سر مسأله‌یی اختلاف به وجود می‌آید، قانون حکم می‌کند که کمیته مشترک از اعضای دو مجلس ایجاد شود و در مورد مسأله مورد اختلاف، بحث و فیصله صورت گیرد. کمیته مشترک ایجاد و در زمینه بحث کردند، اما در روز رأی‌گیری، چهار تن از اعضای مجلس نماینده‌گان حضور نداشتند و با اکثریت آرا فیصله شد تا با تعدیل ماده ششم قانون ثبت احوال نفوس و درج واژه «افغان» در شناسنامه‌های برقی، روند توزیع آن آغاز شود.

معاون سفیر روسیه در کابل:

درباره صلح افغانستان با امریکا هم نظریم

آلبرت خورریف، معاون سفیر روسیه در افغانستان در یک گفت‌وگوی اختصاصی با یورونیوز گفت که مسکو درباره مذاکرات صلح با طالبان با امریکا «هم‌نظر» است. او گفته است: «در زمینه صلح طالبان با دولت افغانستان با امریکا هم فکر هستیم. تماس‌هایی با امریکایی‌ها داریم و ضمیر کابلوف نماینده خاص رییس‌جمهور با طرف امریکایی تماس داشته است. در مجموع امیدواریم این هم‌نظری به فعالیت مشترک بیانجامد.»

اخیرا دونالد ترامپ، رییس‌جمهور امریکا اعلام کرده است که کشورش «مذاکرات بسیار قوی» برای برقراری صلح در افغانستان انجام خواهد داد. زلمی خلیل‌زاد نماینده ویژه امریکا در چند روز گذشته برای دومین بار با نماینده‌گان طالبان در قطر دیدار کرده است.

آقای خورریف با اشاره به نشست شورای عالی صلح با طالبان در مسکو گفته است: «ما توقع نداشتیم که این پروسه (صلح با طالبان) به زودی نتیجه دهد، یعنی توقع زیادی از این نشست نداشتیم؛ چون بحث صلح و پیشرفت مذاکرات صلح، کار مشکل است. هدف ما راه‌اندازی شرایط مساعد بین دو طرف (طالبان و شورای عالی صلح افغانستان) بود که با یکدیگر بر سر صلح، مذاکره کنند. برنامه داریم که نشست‌های رودرروی طالبان و افغانستان را ادامه دهیم اما برای تعیین تاریخ نشست بعدی، باید بر اساس وضعیت افغانستان تصمیم بگیریم.»

نشست هیأت طالبان و نمایندگان شورای عالی صلح افغانستان در ۱۸ عقرب در مسکو انجام شد این اولین نشست رسمی طالبان با شورای عالی صلح افغانستان درباره صلح بود. در این نشست نماینده‌گان ۱۲ کشور

خارجی حضور داشتند و نماینده امریکا هم به‌عنوان ناظر در این نشست شرکت کرده بود. به گفته او، روسیه از سال ۲۰۱۴ بحث حضور داعش در افغانستان را تاکنون زیر نظر داشته است، در ابتدا، مطرح کردن بحث حضور و تهدید داعش زود بود اما حضور داعش در افغانستان آهسته آهسته جدی شد و اکنون مسکو به داعش در افغانستان به‌عنوان یک تهدید جدی برای امنیت روسیه و کشورهای آسیای مرکزی نگاه می‌کند.

آقای خورریف با رد حمایت از طالبان برای مقابله با داعش تأکید کرد: «(برای مقابله با داعش) ما همراه با آسیای مرکزی عملیات نظامی داشتیم. همراه دوستان و همکارانمان کار می‌کنیم. برای تجدید قوای اردوی ملی افغانستان همکاری می‌کنیم. گروه‌هایی برای تعلیم و تربیت گروه‌هایی از پولیس و ریاست امنیت ملی افغانستان می‌پذیریم و می‌خواهیم همکاری نظامی و تخنیک/فنی هم داشته باشیم.»

او درباره اظهارات یکی از مقام‌های شورای عالی صلح افغانستان که گفته بود «دادگاهی در روسیه، طالبان را تروریست می‌داند، پس نباید در نشست مسکو، به آنها استیج (فضا) زیادی داده می‌شد.»

به گفته او: «درست است که در روسیه طالبان به‌عنوان یک گروه تروریستی خوانده می‌شوند اما داعش یک گروه خطرناکتر از طالبان در افغانستان است که از آن سخنی به میان نیامده است. طالبان اعلان نکرده است که مقصدهای منطقه‌یی دارند، آن‌ها می‌گویند که برای آزادی و استقلال کشور خود می‌جنگند و این بسیار مهم است. ولی داعش مقاصد منطقه‌یی دارد.»

ویژه‌گی‌های رویکرد تاریخ‌نگاری گذار از امپراتوری به حکومت سرزمینی و دولت-ملت این رویکرد در تاریخ‌نگاری چند پیشنهاد دارد:

۱. تقسیم تاریخ این سرزمین در قدم نخست به دو دوره پیش از ورود اسلام و بعد از ورود اسلام درست است. اما محتوای ناسیونالیستی غیرت‌ساز آن که در دوره پیش از ورود اسلام عنصر یونانی، هخامنشی و ترک در آن غیر و بیگانه پنداشته می‌شود، از آن برداشته شود و اقوامی که در اثر این فتوحات در این سرزمین جاگزین شده و کوچ کرده‌اند، بیگانه تلقی نشوند.

۲. دوران پیش از ورود اسلام با دریافت‌های باستان‌شناسی بیشتر غنی شده است. اما میراث مشترک همه منطقه (آسیای مرکزی، ایران، هند، پاکستان و افغانستان) تلقی شود و میراث‌های تاریخی هر قوم در جایگاه خود آن برجسته‌سازی گردد.

۳. دوران ورود اسلام به این سرزمین، نه در لباس تنگ ناسیونالیستی و غیرت‌ساز، بلکه در قالب آمدن خورشید اسلام به این سرزمین و غنی ساختن فرهنگ و قدرت ساکنان این سرزمین تلقی گردد، با حفظ این‌که رویکرد سیاست‌های قوم‌مدارانه برخی از اعراب مانند اموی‌ها و... در جایگاه حفظ شود.

۴. از نظر نظام دولت، این دوره باید در پیوند با مرکزیت اصلی یعنی خلافت که سلطنت‌های دیگر در اکثر موارد تا قرون اخیر مشروعیت خود را از آن می‌گرفتند، مورد مطالعه و بازبینی قرار گیرد. به عنوان نمونه، از آغاز ورود اسلام در این سرزمین یعنی خلافت سیدنا عثمان تا سال ۸۲۱ م (آغاز سلطنت طاهری‌ها) زیر عنوان «دوران خلافت»، از دوران طاهری‌ها تا خوارزمشاهی‌ها (۱۲۱۴م) زیر عنوان «سلطنت-خلافت» مطالعه گردد.

۵. تجاوزات و بی‌رحمی‌های چنگیز و تیمور، تجاوز به تمدن کل منطقه و جهان اسلام تلقی شده و دوره‌های گسست و چندپارچه‌گی در حیطه خودش مورد مطالعه قرار گیرد. اقوام دولت‌های به‌جامانده از این تحولات به هیچ‌وجه بیگانه تلقی نشده و همچون دیگران در افتخارات و آرم‌های تاریخی مردم این سرزمین دخیل گردند.

۶. تاریخ معاصر کشور از همان انتقال امپراتوری به دولت سرزمینی و دولت-ملت مورد مطالعه قرار گیرد و گسست پیش از امپراتوری و چندپارچه‌گی و عدم وجود مرکزیت نیز توضیح گردد.

دوره‌بندی تاریخ معاصر به اساس این رویکرد

از نظر رویکرد تاریخ‌نگاری ملی گذار از امپراتوری به دولت سرزمینی و دولت-ملت، سرزمین امروزی افغانستان که پیش از امپراتوری ابدالی یا درانی توسط میرها، خان‌ها و رؤسای قبایل اقوام گوناگون به شکل ملوک‌الطوایفی اداره می‌شد، از سال ۱۷۴۷ تحت اداره امپراتوری ابدالی یا درانی درآمد. از دیدگاه این رویکرد تاریخ‌نگاری ملی، مراحل تاریخی معاصر افغانستان قرار زیراند:

۱. دوران امپراتوری ابدالی (۱۷۴۷ - ۱۸۰۱)؛
۲. دوران فروپاشی امپراتوری ابدالی (۱۸۰۱ - ۱۸۸۰)؛
۳. دوران دولت سرزمینی (۱۸۸۰ - ۱۹۷۸)؛
۴. دوران فروپاشی دولت سرزمینی (۱۹۷۸ - ۲۰۰۱)؛
۵. دوران دولت - ملت (۲۰۰۱ - ...)

گفتمان‌های ملت‌سازی افغانستان بر اساس این رویکرد

پیش از آن‌که به دوره‌بندی تاریخی گفتمان‌های ملت‌سازی بپردازیم، لازم می‌آید تا از ملت‌سازی تعریفی آرایه گردد. روندی جامعه‌شناختی-تاریخی که از طریق آن، با کم‌رنگ شدن تمایزهای قومی، قبیله‌ای، نژادی، جنسیتی، زبانی و...، تعداد متنابهی از «مردم» در «سرزمینی مشخص» به «هویت مشترک تاریخی» دست می‌یابند و حفظ ارزش‌های آن را از وظایف حیاتی خود تلقی می‌کنند (سیروس، ۱۳۸۶). به عبارت دیگر، ملت‌سازی به صورت عمومی فرایند ساختن هویت جمعی همراه با مشروعیت‌سازی آشکار برای قدرت عمومی در قلمرو مشخص است (Bogdandy and Wolfrum : Volume ۹, ۲۰۰۵, ۵۸۵). به اساس بیان مؤسسه امریکایی رند و شورای روابط خارجی ایالات متحده، ملت‌سازی فرایند ایجاد نظم مدنی و کارکردهای حکومتی در کشورهایی که از یک دوره جنگ یا سایر اشکال اغتشاش بیرون آمده‌اند، می‌باشد (قوم و زرگر، ۱۳۸۸: ۲۱۵ - ۲۱۶).

با توجه به رویکرد تاریخ‌نگاری ملی گذار از امپراتوری به حکومت سرزمینی و دولت-ملت، افغانستان کشوری است که در سال ۱۸۸۰م تحت تأثیر تحولات نظام بین‌الملل رژیم موازنه قوا

در اروپا و به‌ویژه سیاست‌های بازی بزرگ بریتانیای کبیر و روسیه تزاری در منطقه به عنوان دولت حایل در شمار حکومت‌های سرزمینی عرض اندام کرده است که پیش از آن، جزء اصلی امپراتوری ابدالی بود. بدین ترتیب، مرحله تاریخی گذار از نظام امپراتوری به دولت سرزمینی را آغاز کرده و وارد صفحه تاریخی مُدرن شده تا رسد که با پیمودن دولت سرزمینی وارد دوره دولت-ملت گردد.

در طول ۱۲۱ سال تاریخ افغانستان مدرن تا ۱۱ سپتمبر، این کشور نظام‌های سیاسی گوناگون مانند شاهی مطلقه، شاهی مشروطه، جمهوری دیکتاتوری، جمهوری دموکراتیک خلق، دولت اسلامی، امارت اسلامی و سرانجام، جمهوری اسلامی را شاهد بوده است. هر یک از این نظام‌ها تحت تأثیر تحولات نظام بین‌المللی و سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ تأثیرگذار در جهان و منطقه و رقابت‌های منطقه‌ی سیاست‌های ملت‌سازی متفاوت را در پیش داشته‌اند. این سیاست‌ها در حالی‌که متأثر از بافت سنتی قوم‌محور فرهنگ، جامعه و سیاست افغانستان بوده است، اما تحولات در نظام بین‌المللی در جهت‌دهی، سامان‌دهی و حمایت از آن، نقش و تأثیر محوری داشته است. به این دلیل، چون کشورهای کوچک در پدیدآیی نظام بین‌الملل نقش چندان تأثیرگذار ندارند، ناگزیرند تا سیاست‌های‌شان را در راستای نظام بین‌المللی‌یی که قدرت‌های بزرگ به‌وجود آورده‌اند، سامان‌دهی کنند.

گفتمان‌های سیاست ملت‌سازی افغانستان تحت تأثیر روابط بین‌الملل و به موازات تحولات نظام بین‌المللی متنوع و گوناگون بوده است. برخی از این گفتمان‌ها به سرانجام رسیده و برخی دیگر با گسست‌ها و بحران‌های گوناگون روبه‌رو بوده‌اند. گسست‌ها و بحران‌ها نیز از یکسو برخاسته از بافت اجتماعی - سیاسی کشور و در اغلب موارد متأثر از سیاست‌های قدرت‌های بزرگ و تحولات نظام بین‌المللی بوده و مانع به سرانجام رسیدن این گفتمان‌ها شده‌اند.

به نظر نگارنده، گفتمان‌ها و گسست‌ها و بحران‌های مربوط سیاست‌های ملت‌سازی در افغانستان مدرن را چنین می‌توان برشمرد:

۱. گفتمان رعیت‌سازی: ۱۸۸۰ - ۱۹۱۹ (متأثر از نظام توازن قوای اروپا و پیرو آن، نظام بازی بزرگ در منطقه آسیای جنوبی و مرکزی)
۲. گفتمان شبه‌ملت - شهروندسازی: ۱۹۱۹ - ۱۹۲۹ (متأثر از نظام آرمان‌گرایی ویلسونی)

۳. گسست و بحران: امارت امیر حبیب‌الله کلکانی: ۱۹ جنوری ۱۹۲۹ - اکتوبر ۱۹۲۹
۴. گفتمان یکسان‌سازی فرهنگی شبه‌فاشیستی قوم‌مدار: ۱۹۲۹ - ۱۹۶۳ (متأثر از نظام بین‌المللی موازنه قوا در اروپا، جنگ سرد، ناسیونالیسم نژادپرستانه در اروپا و آسیا و تأثیرپذیری از بلوک شرق)
۵. گفتمان شبه‌ملت - شهروندسازی: ۱۹۶۳ - ۱۹۷۳ (متأثر از نظام جنگ سرد و تلاش نظام برای نزدیک شدن به بلوک غرب)
۶. گسست و بحران: جمهوری دیکتاتورانه داوود خان: (۱۹۷۳ - ۱۹۷۸)

۷. گفتمان شبه‌توتالیترانیسم استالینی: ۱۹۷۸ - ۱۹۹۲ (متأثر از نظام جنگ سرد و تجاوز مستقیم شوروی به کشور)
۸. گسست و بحران: اختلافات درون حزبی، جهاد و مقاومت اسلام‌گرایان و مخالفت جهان غرب.
۹. گفتمان ملت - امت‌سازی: ۱۹۹۲ - ۱۹۹۶ (متأثر از نظام هرج‌ومرج محض «ساموئل هانتینگتون»)
۱۰. گسست و بحران: جنگ‌های تنظیمی، قبیله‌گرایی و تنها گذاشته شدن مردم افغانستان توسط غرب.
۱۱. گفتمان رعیت‌سازی طالبانی: ۱۹۹۶ - ۲۰۰۱ (متأثر از نظام هرج‌ومرج محض «هانتینگتون» و مداخله مستقیم پاکستان در کشور)
۱۲. گسست و بحران: مقاومت ملی و مداخله جامعه جهانی به رهبری امریکا.

۱۳. گفتمان شهروند ملت‌سازی: ۲۰۰۱ - ... (متأثر سپهر عمومی جهانی شدن و نظام بین‌المللی رنگ سلسله‌مراتبی دستوری)

نتیجه‌گیری

در رویکرد تاریخ‌نگاری ملی گذار از امپراتوری به دولت سرزمینی و دولت - ملت، ایده افغانستان ایده تمامی اقوامی است که در درازنای تاریخ به وسایل گوناگون چونان تهاجم، فتح، کوچ، دعوت به دین و مذهب و...، وارد این سرزمین شده‌اند، با یکدیگر تعامل مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز داشته و هویت ملی تازه را با پشت سر گذاشتن بحران‌ها و فرود و فرازها به‌وجود آورده و با حرکت به‌سوی آینده و مشاجرات و مبارزات و تعاملات مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز از نوع

مدرن و پسامدرن در تعامل با یکدیگر زیست خواهند کرد.

در این رویکرد، تمامی اقوام افغانستان به هر وسیله و فرایندی که در این مرز و بوم آمده و تحولات تاریخی را پشت سر گذاشته‌اند و اکنون در این سرزمین می‌زیند، بومی این مملکت‌اند. قهرمانان آنان قهرمان این کشور اند. زبان‌شان بیانگر جزئی از هویت فرهنگی این بوم است. تحول و تکامل تاریخی آنان، تحول و تکامل تاریخی اقوامی است که از پیوند ارگانیک و حقوقی هویت آنان، هویت ملی به بار می‌آید و زیر عنوان «هویت ملی افغانستانی» و نه «هویت ملی افغانی» مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد، این رویکرد می‌تواند، چگونگی ساکن شدن اقوام گوناگون توسط کوچ‌ها و تهاجمات، تجاوز استعماری انگلیس به کشور، چگونگی نطفه‌گیری ناسیونالیسم افغانستانی در برابر آن، چگونگی آشنایی کشور با مفاهیم مدرن اروپایی را تبیین کرده و می‌تواند مفاهیم سیاسی و جامعه‌شناسیک هر دوره تاریخی در محیط فکری-فرهنگی و اجتماعی-سیاسی مختص به خود آن دوره، در چارچوب آن مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین به نظر می‌رسد این رویکرد این حُسن را دارد که چگونگی انتقال این سرزمین به جوامع سیاسی متفاوت از هم، مانند سیاست بدون دولت: جوامع قبیله‌ای؛ دولت‌های بدون ملت: امپراتوری‌ها و پادشاهی‌ها؛ دولت سرزمینی: مردم با کشور مشخص؛ دولت-ملت: دولت به نماینده‌گی ملت را تبیین کند.

از سوی دیگر، این رویکرد می‌تواند که تأثیر بستر اجتماعی، و فرهنگی سیاسی کشور، بر شکل‌گیری نوع نظام‌های سیاسی و تأثیر آن را بر چگونگی پیدایش گفتمان‌های سیاست ملت‌سازی و آفرینش آن بر هویت ملی را روشن ساخته و تحلیل کند.

منابع

۱. آشوری، داریوش (۱۳۷۷). ما و مدرنیته. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۲. بیلینس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۸). جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۳. دی سی، استفان (۱۳۹۰). مبانی علم سیاست، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۴. رحیمی، مجیب‌الرحمن (۱۳۸۷). نقدی بر ساختار نظام در افغانستان: تأثیر انتخاب نوعیت نظام بر تحکیم دموکراسی و مهار جنگ در کشورهای چندپارچه. کابل: کانون مطالعات پژوهش‌های خراسان.
۵. عطایی، محمد ابراهیم (۱۳۸۹). تاریخ معاصر افغانستان، ترجمه جمیل الرحمن کامگار. کابل: بنگاه انتشارات میوند.
۶. غبار، میر غلام محمد (۱۳۸۸). افغانستان در مسیر تاریخ. پشاور: دارالسلام کتب‌خانه.
۷. قوام، عبدالعلی و زرگر، افشین (۱۳۸۸). دولت‌سازی، ملت‌سازی و نظریه روابط بین‌الملل: چارچوب تحلیلی برای فهم و مطالعه جهان دولت - ملت‌ها. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۹. کوئن، بروس (۱۳۹۰). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل. تهران: سمت.
۱۰. گیدنز، آتونی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ بیست‌وسوم. تهران: نشر نی.
۱۱. موسوی، سید عسکر (۱۳۹۱). جزوه جامعه‌شناسی افغانستان. کابل: دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۲. همایون، ناصر تکمیل (۱۳۸۹). در جست‌وجوی ایران‌شهر: از زایش تاریخی ملت تا گرایش نوین ملی. مهرنامه، سال اول، شماره ششم، آبان‌ماه ۱۳۸۹، صص ۹۳ - ۹۴.

1. Bogdandy, Von Armin and Stephan Haublar and Hanchman, Felex and Utz, Raphael (2005), State building, Nation building and Constitutiona Politics in Post Conflict Situations: Conciptual Clarifications and an Appraisal of Different Approachs. Nethetland: Max Planak Year book of United nation law. Volume 5. P 579 - 613.

تاریخ‌نگاری ملی در افغانستان و تأثیر آن بر فرایند ملت‌سازی

دکتر هجرت‌الله جبریلی

بخش سوم و پایانی



هنری جیمز

تصویرگر زنده‌گی اشرف عصر ویکتوریا

آتوسا سلطان زاده



اشاره

هنری جیمز (۱۹۱۶ - ۱۸۴۳)، نویسنده آمریکایی قرن ۱۹ که بعدها تبعه انگلیس شد، خالق رمان‌های ریالیستی و مدرن رمان‌کاوانه است. آثار او امروزه معروف به رمان‌های روان‌شناسانه هستند. او پایه‌گذار نوعی رمان مدرن در اوایل قرن بیستم در غرب شد. جیمز در بیشتر آثارش به شرح زنده‌گی ثروتمندان، اشراف و اقتدار مرفه جامعه انگلیس پرداخت. او دوست‌دار شکل زنده‌گی طبقه اشراف دوره معروف به عصر ویکتوریایی انگلیس بود و از رفت‌وآمد با اشراف و ثروتمندان «جهان‌دیده» احساس لذت می‌کرد.

پرداختن به زنده‌گی، ادا و اطوار اشراف، موضوع چند کتاب او شد. موضوع دیگر رمان‌هایش، اختلاف فرهنگی جامعه آمریکا با انگلیس بود. او به بحران زنده‌گی آمریکایی‌های غالباً جوانی می‌پردازد که آن زمان به دلایلی در اروپا زنده‌گی می‌کردند و دچار مشکلات روحی، روانی و یا اجتماعی می‌شدند؛ حوادثی که او خود طی سال‌ها زنده‌گی در انگلیس، تجربه کرده بود.

جیمز ۳۲ ساله بود که آمریکا را به دلیل ساده‌گی، توحش و ابتدایی بودن فرهنگی‌اش ترک نموده و به انگلیس مهاجرت کرد. پرداختن ادبی به جهان قدیم، یعنی اروپا و مقایسه آن با جهان جدید، یعنی آمریکا، یکی از زمینه‌های فعالیت او بود. جیمز زیر پوشش عشق و توطیه و نیرنگ در آثارش، غالباً تضاد و تناقض فرهنگ آمریکایی با اروپایی را به قلم می‌کشاند. او خود را فلوربر آمریکایی نامید. به نقل از مورخین ادبیات، او از زمان خود، سال‌ها جلوتر بود. به این دلیل هیچ‌گاه به مشهوریت کتاب‌هایش در بازار فروش هر دو قاره به‌سختی به رقم ۵ هزار رسید. امروزه اهل نظر او را در هنر رمان‌نویسی، نقطه اوج و پایان ادبی در قرن نوزدهم غرب می‌دانند و به آثارش عنوان «کلاسیک‌های مدرن» داده‌اند. جیمز با تکیه بر افکار روان‌کاوانه قهرمان داستان، تأثیر مهمی روی رمان قرن بیستم و رمان فعلی گذاشت. نام جیمز در کشورهای غربی، تداعی‌کننده آغاز عصر هنر رمان مدرن است. او با نقد آثار نویسندگان دیگر، تیوری رمان در قرن بیستم را پایه گذاشت.

هنری جیمز در سال ۱۸۴۳ در خانواده‌ی مرفه در آمریکا به دنیا آمد و در سال ۱۹۱۶، با یک پاسپورت انگلیسی در جیب، در لندن بر اثر سکته قلبی درگذشت. پدرش نویسنده آثار فلسفی و خداشناسی نیز بود. برادر او، یعنی ویلیام جیمز،

روانشناس و فیلسوف معروف مکتب غیرطبقاتی «پراگماتیسم» جهان سرمایه‌داری است. هنری جیمز در سال ۱۹۱۴ به ادعای خودش، به دلیل اعتراض به اعلان بی‌طرفی آمریکا در جنگ جهانی اول و تنها گذاشتن اروپایی‌ها در جنگی غیرعادلانه و وحشیانه، بعد از سال‌ها اقامت در انگلیس، تبعه آن‌جا شد. او را اولین نویسنده حرفه‌ی نامیدند، چون جیمز کوشید تا بدون ادعا و تعارف‌های اخلاقی و اصلاح‌گرایانه، از راه قلم زنده‌گی کند. غیر از آن، او فعالیت نویسنده‌گی خود را بسیار جدی گرفت و آن را مهم‌ترین هدف زنده‌گی‌اش نامید.

جیمز در کتاب «یادداشت‌های روزانه یک نویسنده» به شکل مفصلی به موضوعات، مسایل و پرسش‌های نظری ادبیات، مخصوصاً رمان‌نویسی پرداخت. او امروزه غیر از ادبیات مدرن، در فرهنگ پسامدرن نیز مورد توجه و بررسی گروهی از محققین قرار گرفته است.

جیمز خود را یک ریالیست روان‌کاو می‌دانست، درحالی‌که او ریالیسم سنتی پیشین در غرب راه واقع‌گرایی سطحی‌نگر در ادبیات به حساب می‌آورد. او می‌خواست به جای مطرح کردن رفتار افراد و دادن سند و مدرک و احکام در رمان، به شرح و توصیف احساسات قهرمان داستان بپردازد. بعدها سبک کار او میزان و معیاری برای رمان‌نویسان نسل آینده گردید. دقت و ریزبینی در شرح و توصیف روان خیال‌پردازانه قهرمان رمان، از جمله اهدافی شدند که هیچ‌گاه نویسنده‌گان آینده به اوج آن نایل نیامدند. جیمز می‌گفت در رمان نو، نویسنده باید به جهان رمز و راز و ناخودآگاه روان انسانی سفر کند و به جای اعمال، کردار و رفتار قهرمان داستان، به توصیف تغییر و تحول شخصیت وی در طول رمان بپردازد. بدین سبب خواننده به جای رفتار و عمل قهرمان داستان، شاهد شرح تصاویری از حوادث و امکانات در خیال و افکار وی می‌شود. از جمله ادعاهای نظری جیمز این بود که همچون «اسکار وایلد» می‌گفت که هنر موجب خلاقیت زنده‌گی واقعی می‌شود و فرد در یک فرم اجتماعی، هویت و شکل انسانی به خود می‌گیرد و هنری، خالق زنده‌گی است که شرکت انسان در جریان زنده‌گی را به نمایش بگذارد. معمولاً هر اقدام و رابطه انسانی در اجتماع، کوششی است تا او روی دیگران تأثیر گذاشته، یا آن‌ها را به زیر سلطه و قدرت خود درآورد یا این‌که افکار و روان سایرین را در راه اهداف خود دست‌کاری نماید.

جیمز در شماری از آثارش فرهنگ و جامعه آمریکا را، معصوم، بی‌گناه، ولی ملال‌آور و فرهنگ و جوامع

اروپایی را فاسد، حيله‌گر و زوال‌پذیر، ولی جالب و هیجان‌انگیز معرفی نمود. قهرمان کتاب‌هایش، گاهی انسان‌های ساده، روستایی و بی‌تقصیر آمریکایی هستند که در اروپا زنده‌گی می‌کنند و سرانجام فاسد، درنده، فردگرا، منفعت‌طلب و خشن می‌شوند. او تأثیر رابطه بین دو فرهنگ آمریکایی و انگلیسی را تراژدی‌گونه می‌دید که معصومیت و پاکی انسانی را در جنگل جامعه تجاری و غیراخلاقی به فساد می‌کشند. جیمز، آن زمان به مطرح کردن سرنوشت آمریکایی‌های جوان، ساده‌لوح و بی‌تقصیری می‌پردازد که بعد از جذب در فرهنگ اروپایی، دچار سرخورده‌گی و از خودبیگانگی می‌شوند. آثار او چون مشخصات تمام سبک‌های رمان اجتماعی را شامل بودند، زمینه‌ی گردیدند برای استفاده کارهای نویسنده‌گان مدرنی مانند «ویرجینیا وولف» و «جیمز جویس». در آثار پایانی جیمز، او در مخالفت با عصر ریالیسم که هنر و ادبیات باید نقش رهبری در تربیت جامعه‌ی متمدن و انسانی را به عهده گیرند، دلایلی بدبینانه و ناامیدانه مطرح نمود. طیف گوناگون مخالفین جیمز، هر کدام دلایل خاص خود را مطرح می‌کرد. منتقدی نوشت که جیمز یک رمان را در لباس‌های گوناگون به بازار عرضه می‌کند و «روزولت»، رییس جمهور، درباره‌ی وی نوشت که او یک انسان متظاهر حقیری است که زاری‌کنان ادای بورژواها و اشراف انگلیس را درمی‌آورد. در زمان «مک کارتی»، آثار او را خاینانه و غیرآمریکایی شمردند و ناسیونالیست‌ها، جیمز را به دلیل تقلید از ادبیات جهان‌گستر روس و فرانسوی، یک وطن‌فروش نامیدند. «توماس هاردی»، یکی از منتقدین آن زمان نوشت که در جملات بسیار طولانی جیمز، حرفی برای گفتن نمی‌توان یافت. منتقدین چپ در قرن گذشته درباره‌ی جیمز نوشتند که او از پرداختن به موضوعات و حوادث اطرافش، عمداً سر باز می‌زند تا سخنگوی فرمالیستی تمایلات روان‌شناسانه در ادبیات غیرطبقاتی آمریکا و انگلیس شود.

بزرگ‌ترین شکست جیمز، ناموفق بودن او در هنر نمایشنامه‌نویسی بود. جیمز سرانجام بعد از این‌که نمایشی از «اسکار وایلد» را دید و آن را با آثار خود مقایسه کرد، دست از نمایشنامه‌نویسی کشید و مدتی به‌دلیل افسرده‌گی روحی، در تیمارستانی بستری شد.

آثار جیمز در زمان حیات به شهرت لازم نرسیدند، گرچه شاگردان و هواداران باوفا همیشه در کنار او ماندند. او بعد از مرگ، سال‌ها در فضای ادبی و فرهنگی غرب فراموش شد، تا این‌که سرانجام در

دهه ۴۰ قرن بیستم در محافل دانشگاهی مورد توجه قرار گرفت. منتقد شوخ‌طبعی درباره‌ی آثار او گفته بود که نوشته‌های ظاهراً جالب و عجیبش مانند لانه عنکبوتی هستند که به‌ساده‌گی، یک زن کلفت تمیزکار می‌تواند با خردگرایی بی‌رحمانه خود، با یک حرکت غیرارادی، آن‌ها را از صفحه تاریخ پاک کند. در زمان او، در رمان قرن ۱۹، نویسنده‌گان سنتی معمولاً نمی‌خواستند خواننده را با شرایط روحی و روانی قهرمان آشنا کنند. و در نیمه دوم قرن فوق، نویسنده‌گان غالباً وابسته به اقتدار مرفه، چنان به ارزش‌های فرهنگ ملکه ویکتوریا در انگلیس چسبیده بودند که حاضر به تحول و مدرنیته ادبی نبودند. جیمز، غیر از «کنراد»، شخصاً با «فلوربر» و «تورگنیف» آشنا شد. او نه تنها تحت تأثیر «امیل زولا»، بلکه از نظر روان‌کاوی شاگرد «والتر اسکات» و «چارلز دیکنز» بود. جیمز خلاف «مارک تواین»، به جای رابطه و تضاد بین فساد و معصومیت انسان غربی، به تأثیر آن‌ها روی همدیگر در شخصیت قهرمان رمان پرداخت. امروزه دلیل علاقه به جیمز در دهه ۲۰ و ۳۰ قرن گذشته را، نیاز کنجکاوانه به ریشه‌یابی مدرنیته جهانی می‌دانند. به نظر منتقدین، او «فورستر» را بیش از «جویس» تحت تأثیر خود درآورد. جامعه‌شناسان علاقه خواننده به زنده‌گی خصوصی جیمز را مانند کنجکاوی آنان به زنده‌گی عجیب ولی جالب «ریچارد واگنر»، یعنی یکی از چهره‌های موردنظر جیمز، می‌دانند.

ازجمله آثار جیمز: تصویر یک زن، دیزی میلر، سفیران، زنان شهر بستون، واچ و وارد، مرد آمریکایی، چرخش پیچ، اتوبیوگرافی، بال‌های کیوتر، اروپایی‌ها، وارث واشنگتن اسکوار، اسناد و مدارک اسپرن، گنج‌های پوینتن، چند نمایشنامه، یادداشت روزانه یک نویسنده و پیاپی طلایی هستند. اثر مشهور او یعنی «دیزی میلر» تنها کتابی است که خواننده‌گان زیادی یافت. موضوع رمان «زنان بستونی»، شرایط زنان آمریکایی بود. «تصویر یک زن» را گروهی از منتقدین، مرحله پایانی ادبیات کلاسیک ریالیستی آمریکا در دهه ۸۰ قرن نوزدهم می‌دانند. موضوع این رمان جهانی، یک کوشش و آزمایش تربیتی برای دختری جوان و آمریکایی است که باید در اروپا با نرم‌ها و فرم‌های اجتماعی، برای پذیرش در جامعه غیرخودی، آشنا گردد.

منبع: اعتماد



خاطرات وهاب مددی چاپ می شود

ماندگار: مسوولان در انتشارات شاهنامه گفته اند که به زودی کتاب خاطرات استاد عبدالوهاب مددی را چاپ می کنند.

عبدالوهاب مددی، از هنرمندان پُرآوازه افغانستان است که پژوهش های گسترده ای پیرامون موسیقی کشور نیز انجام داده است. پژوهش های او در رسانه های مختلف افغانستان به نشر رسیده است.

روزنامه ماندگار نیز دریافت های استاد مددی در موسیقی افغانستان را بارها چاپ کرده است. پیش از این، کتاب موسیقی معاصر افغانستان به قلم او نگارش یافته و چاپ شده است.

مسوولان انتشارات شاهنامه گفته اند که خاطرات مددی با عنوان «خاطرات من» در ۵۰۰ برگ چاپ می شود.

شناس نامه:

خاطرات من

عبدالوهاب مددی

چاپ نخست: خزان ۱۳۹۷ خورشیدی

تایپ و فصل بندی: خلیل یوسفی

ویراستار: نصیر مهین

برگ آرا: منیژه نادری

چاپ انتشارات شاهنامه، هالند

عبدالوهاب مددی خواننده، آهنگساز، موسیقی پژوه و از کارکنان و سپس مدیران رادیو افغانستان در دهه های پنجاه و شصت خورشیدی است که کوشش های فراوانش برای حفظ و اشاعه موسیقی این کشور به دفعات ستوده شده است. کتاب «سرگذشت موسیقی معاصر افغانستان» تألیف او، یکی از معدود کتاب های پژوهشی در مورد ژانرهای مختلف موسیقی افغانستان از گذشته تا دوره معاصر است.

عبدالوهاب مددی زاده هرات است. می گوید با موسیقی در کودکی از طریق آوازهای فریادگونه نوجوانانی که در دشت های ولایت بادغیس چوپانی می کردند، آشنا شده و بعدها به دلیل سخت گیری در محیط خانواده، شب ها آهنگ های محلی «سرحدی» را در زیر لحاف نجوا می کرده. در همان کودکی بود که دوتار مامایش را مخفیانه برداشت و کوشید آن را بنوازد، ولی آن دوتار به دست ماما شکسته و عبدالوهاب خردسال از ترس برای مدتی از موسیقی دور شد. با وجود همه این دشواری ها و مخالفت ها، موسیقی و مددی هرگز یکدیگر را رها نکردند.

بعد از آنکه در هرات به مدرسه رفت و در جشن های مدرسه آوازخوانی کرد و مورد تشویق قرار گرفت. در اواسط دهه سی وقتی به کابل رفت، یکی از بسته گان، او را که هنوز نوجوانی بود، به رادیو کابل برد. در سال ۱۳۳۴ ترانه «سیاه موی و جلالی» با صدای مددی به صورت زنده از رادیو کابل پخش شد و این خواننده جوان بین دوستانداران موسیقی افغانستان نامی یافت. در همین زمان بود که «استاد غلام حسین»، پدر «استاد محمد حسین سرآهنگ» هم به آوازخوانی عبدالوهاب توجه کرد و او را در کلاس های درس خود پذیرفت و چنان محبوب استاد غلامحسین شد که او حتا برایش آهنگ هایی ساخت.

اما در مقابل تشویق های استادان موسیقی، مخالفان موسیقی عبدالوهاب، عرصه را بر او تنگ می کردند. زمانی که در کابل در یک مدرسه شبانه روزی (خوابگاه) درسش را ادامه می داد، مدیر آن مدرسه با آوازخوانی او سخت مخالف بود. عبدالوهاب به خاطر سرپیچی از فرمان مدیر، بارها کتک خورد و حتا به این دلیل که ترس تنبیه سخت تر، برای مدتی از رادیو دور ماند. او در آغاز با نام مستعار «عبدالوهاب هراتی» در رادیو آواز می خواند، بعدها به یاد رنج هایی که او برای آموختن و آرایه موسیقی برده بود، نام «رتجورا» را برگزید و سپس تخلص «مددی» را انتخاب کرد.

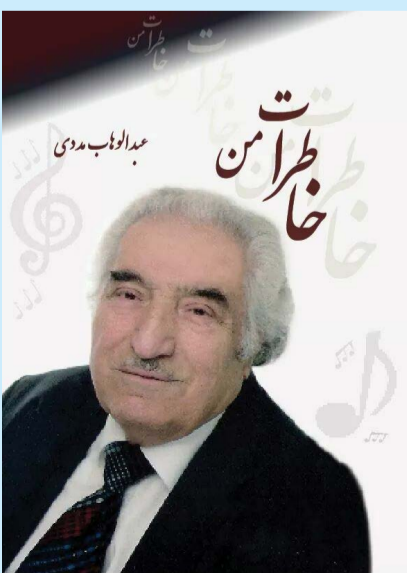
در کنار فعالیت های موسیقایی که مددی داوطلبانه انجام می داد، در هنرستان فنی کابل هم تحصیل کرد و بعد از اتمام این دوره، در بخش هواشناسی فرودگاه کابل مشغول به کار شد. او از سال ۱۳۳۸ به رادیو افغانستان خوانده و چند سال بعد مدیر برنامه های موسیقی شد.

در دهه هفتاد عبدالوهاب مددی طی پنج سال با دو بورسیه آلمان غربی طی اقامت در این کشور به آموخته های خود افزود و به فراگیری و تحصیل موسیقی غربی و ژورنالیسم رادیو پرداخت و با این آندوخته ها به افغانستان برگشت و به کار در رادیو کابل با اندیشه های نو ادامه داد. تهیه و اجرای برنامه هایی که به معرفی موسیقی غرب می پرداخت، از جمله نوآوری های او در این زمان بود؛ برنامه هایی همچون معرفی موسیقی پاپ، موسیقی دوران رمانتیک، پخش و معرفی ماندگارترین آهنگ های کشورهای مختلف (گل های همیشه بهار)، چهره نگاری و بررسی زنده گی آهنگسازان شهیر و برنامه «یک جهان موسیقی» که انتخابی از شادترین آهنگ های ملل مختلف بود. او همچنین بیش از ۱۴۰ اثر موسیقایی ثبت شده در آرشیو موسیقی کابل دارد. برخی از این آثار را خود آهنگ سازی و اجرا کرده و بعضی را برای خواننده گان مشهور کشور مانند استاد مهوش، ساریان، رخشانه، پروین و زیلا ساخته است.

عبدالوهاب مددی به هم ریشه بودن موسیقی و فرهنگ ایران و افغانستان اعتقاد دارد و می گوید که هرات یکی از مراکز مهم فرهنگی خراسان است و موسیقی این دو از یک ریشه اند. موسیقی خراسان سال ها در باغ و بوستان ها و خانه های مجلل هرات - ه ویژه زمانی که این شهر پایتخت تیموریان بود- شکل گرفت و تکامل یافت. موسیقی سنتی افغانستان تا دوره «امیر شیرعلی خان» که از هند وارد و در کوچه خرابات کابل ساکن شد، ریشه خراسانی داشت و «خراسانی خوانی یا ایرانی خوانی» در همه شهرهای مهم افغانستان رواج داشت.

در سال ۱۳۷۱، افغانستان را ترک کرد و بعد از شش سال اقامت در ایران، بار دیگر به آلمان مهاجرت و تا امروز با خانواده اش در آن کشور اقامت دارد. او در زمان اقامت در ایران، آثار متعددی را ترجمه کرد و کتاب سرگذشت موسیقی افغانستان را به چاپ رساند. انتشار چند نوار کاست موسیقی نیز ثمره زنده گی او در ایران است.

اکنون این استاد کهنه کار و شناخته شده موسیقی افغانستان با شرکت در کنفرانس ها و سمینارهای متعدد در کشورهای مختلف، موسیقی وطنش را به جهانیان معرفی و نماینده گی می کند.



خاطرات من
عبدالوهاب مددی



«پوهنتون اسلامی جواز فعالیت ندارد»

ابوبکر صدیق

ارگ حکم ایجاد دانشگاه خصوصی صادر می کند!

تنها از وزارت تحصیلات عالی می توانند جواز فعالیت بگیرند.

از سویی هم، برخی از دانشجویان دانشگاه اسلامی به روزنامه ماندگار می گویند که دانشگاه اسلامی پیش از این که جواز فعالیت بگیرد، به فعالیت آغاز کرده است و دانشجوی جذب کرده است.

آنان که نمی خواهند در این گزارش نام شان گرفته شود، می گویند که سرنوشت دانشجویان این دانشگاه در حالت سردرگمی قرار دارد و از این بابت نگرانی دارند.

پیش از این، نجیب الله خواجه عمری، وزیر تحصیلات عالی نیز گفته بود که این وزارت جوازی برای دانشگاه اسلامی صادر نکرده و فعالیت این دانشگاه را غیر قانونی دانسته است.

ریاست دانشگاه های خصوصی وزارت تحصیلات عالی به تاریخ ۱۱ سنبله نیز با نشر خبرنامه یی گفته بود که مدارک دانشگاه اسلامی تنها در نهادهای مسوول تحت مطالعه قرار دارد و هیچگونه اجازه نامه یی تحت نام «پوهنتون اسلامی» صادر نشده است.

گفتنی است که پیش از این نیز برخی از دانشگاه ها و موسسات تحصیلات عالی بدون دریافت جواز در کابل و برخی از ولایت های دیگر به فعالیت پرداخته اند. آگاهان باور دارند که در برخی این دانشگاه ها، افراد تندرو تریه می شود و از این طریق کارهای استخباراتی برای کشورهای بیرونی صورت می گیرد. در حال حاضر، افزون بر ۳۴ دانشگاه دولتی، ۸۲ موسسه یا دانشگاه خصوصی در کشور به گونه قانونی فعالیت دارند. در این نهادها بیش از ۳۵۰ هزار دانشجوی مشغول فراگیری آموزش هستند.

دانشگاه را به تأخیر خواهد انداخت. او می افزاید که هیچ دانشگاهی حق ندارد پیش از به دست آوردن جواز رسمی، فعالیت اش را آغاز کند. آقای کامه وال بیان داشت: وزارت تحصیلات عالی در تفاهم نامه یی که با مسوولان «پوهنتون اسلامی» امضا کرده اند، به شکل روشن تصریح شده تا زمانی که روند گرفتن جواز فعالیت نهایی نشود، حق جذب دانشجو و پخش و نشر اطلاعات را ندارند.

رییس دانشگاه های خصوصی همچنان اظهار داشت که شکایت هایی از سوی دانشجویان این دانشگاه به وزارت تحصیلات عالی نیز رسیده است.

در عین حال، مسوولان در دانشگاه اسلامی به روزنامه ماندگار می گویند که این دانشگاه فعال است و در رشته های ستوماتولوژی، داروسازی و پزشکی دانشجو دارند.

قدرت الله، مسوول ارتباطات دانشگاه اسلامی می گوید که در این سه دانشکده بیش از ۲۴۰۰ تن دانشجو دارند و تا ترم پنجم درس نیز خوانده اند.

آقای قدرت الله می افزاید که تا هنوز جواز فعالیت نگرفته اند، اما تلاش دارند که «به زودترین فرصت» جواز کارشان را از وزارت تحصیلات عالی به دست آورند. او می گوید که از طرف محمد اشرف غنی حکم فعالیت دانشگاه اسلامی را گرفته اند و این حکم در سایت دانشگاه هم نشر شده است.

این در حالی است که در قانون وزارت تحصیلات عالی آمده است که تمام دانشگاه ها و موسسات تحصیلات عالی

مسوولان در وزارت تحصیلات عالی می گویند که فعالیت دانشگاه اسلامی مربوط به حزب اسلامی شاخه غیر رسمی گلبدین حکمتیار غیر قانونی است.

محمد امیر کامه وال، رییس دانشگاه های خصوصی وزارت تحصیلات عالی به روزنامه ماندگار می گوید که دانشگاه اسلامی تا هنوز جواز فعالیت خود را از این وزارت نگرفته است.

همزمان با این، مسوولان در «پوهنتون اسلامی» می گویند که حکم فعالیت شان را از سوی محمد اشرف غنی دریافت کرده اند.

آقای کامه وال می گوید که فهرست دانشگاه های فانونی در تارنمای اینترنتی این وزارت موجود است و غیر از این دانشگاه ها، هر دانشگاه دیگری اگر فعالیت داشته باشد، غیرقانونی است.

اما مشاهدات روزنامه ماندگار نشان می دهد که «پوهنتون اسلامی» در فهرست تارنمای اینترنتی دانشگاه های خصوصی ثبت شده در وزارت تحصیلات عالی وجود ندارد.

آقای کامه وال می گوید که روند ثبت دانشگاه اسلامی در وزارت تحصیلات عالی جریان دارد، اما اجازه جذب دانشجو به این دانشگاه داده نشده است.

به گفته این مقام وزارت تحصیلات عالی: «اگر دانشگاه اسلامی دانشجو جذب کند و پیش از به دست آوردن جواز به فعالیت و نشر اشتهاارت پردازد، این کار غیر قانونی است و در آن صورت وزارت تحصیلات عالی روند گرفتن جواز این

افزایش حاصلات پسته بدخشان



میوه پسته بدخشان از بهر داشتن آب و هوای مناسب و پایین بودن درجه حرارت و اقلیم معتدل از کیفیت خاصی برخوردار است.

ریاست زراعت بدخشان در کنار ایجاد باغ های پسته و آگاهی دهی به مردم، درباره حفظ و مراقبت جنگل های طبیعی و مصنوعی، انجمن های جنگل داری ایجاد کرده است تا در این زمینه فعالیت کنند. پسته بدخشان به بازارهای داخل یعنی تخار، کندز، کابل و بلخ به فروش می رسد.

وزارت زراعت در تلاش است تا پسته پروری را به ولایت های دیگر نیز توسعه بدهد.

برنامه ملی باغداری و مال داری (NHLP) و اداره زراعت ولایت بدخشان ساخته شده است. در ضمن ۱۴ هزار هکتار جنگل پسته به صورت طبیعی، کوه های این ولایت را پوشانده است.

باغ های احداث شده از سوی وزارت زراعت در مساحت یک تا پنج جریب زمین ساخته شده است. در حال حاضر، حاصلات پسته بدخشان ۲۰ درصد درآمد مردم محلات پسته زار را تأمین می کند.

باشنده گان ولسوالی های یاد شده از ۷۰ درصد درآمد میوه پسته سود می برند.

ماندگار: آمارهای آخر فصل از حاصل پسته بدخشان نشان می دهد که میزان حاصلات پسته این ولایت، ۱۰۰ تن بیشتر شده است.

مسوولان از ریاست زراعت، آبیاری و مال داری ولایت بدخشان می گویند که حاصلات پسته این ولایت نسبت به سال گذشته ۱۰۰ تن افزایش یافته است.

بریناد خبرنامه یی که دفتر رسانه های وزارت زراعت به روزنامه ماندگار فرستاده است، سال گذشته از نهال های پسته این ولایت ۳۰۰ تن حاصل گرفته شده بود، اما امسال میزان حاصل پسته بدخشان، ۴۰۰ تن شده است.

نهال ها و باغ های پسته در ولسوالی های شهر بزرگ، تشکان، یقتل پایان، ارگو، کشم، درایم، دروازاها، راغ، باوان و کوهستان موقعیت دارد.

مسوولان ریاست زراعت ولایت بدخشان می گویند که درآمد این میوه در بدخشان نیز خوب می باشد. بر اساس بهای پسته در بازار محلی، بیش از ۲۸۵ میلیون و ۷۰۰ هزار افغانی از این درک نصیب باغداران شده است.

مساحت باغ های احداث شده پسته بدخشان به ۵۲۰ جریب زمین می رسد که توسط

رسانه‌ها و بحران اقتصادی در افغانستان



می‌شوند،
محتوای
برنامه‌ها را نیز
تعیین می‌کنند. با
توجه به نظریه، اقتصاد
نقش مهمی را در کیفیت تولیدات
رسانه‌ها دارا است.
تریوتلر استاد دانشگاه بوهاس در مقاله
تویش تحت عنوان «نگاهی متفاوت به اقتصاد
رسانه» می‌نویسد: نخستین بازار کالای رسانه‌یی
سرگرمی و اطلاعات است که از طریق رادیو و تلویزیون
ارایه می‌شود. این برنامه‌ها به‌خاطری جلب کردن
مخاطبان بیشتر، باعث افزایش آگهی‌ها می‌شود. به گفته
ایشان، منظور از مصرف کالای رسانه‌یی، توجه نشان دادن
مخاطبان به آن است که ظاهراً هیچ هزینه‌یی در قبال آن
پرداخت نمی‌کنند. اما در اصل خرید دستگاه‌های گیرنده
مانند رادیو و تلویزیون، خرید بلیط سینما، صرف کردن
وقت و زمان، عادت پیدا کردن و تسلیم شدن در برابر
تبلیغات، به معنای خرید و پرداخت هزینه‌های بسیار
بالا برای کالای رسانه‌یی است. (گرفته شده از همشهری
آنلاین)

دیدگاه یحی کمالپور استاد دانشگاه بوردو در باره
اقتصاد رسانه این است که بازار رقابت‌های رسانه‌یی به
مسأله‌یی بسیار پیچیده تبدیل شده که گویا رسانه‌ها و
بازاریابان تمامی شیوه‌های درآمدزایی را امتحان کرده‌اند.
اما در سال‌های اخیر اینترنت به عنوان یک چالش
بزرگ در قسمت درآمدزایی رسانه‌ها مطرح است. چون
صاحبان آگهی ترجیح می‌دهند که پیام‌های بازرگانی
خود را از طریق اینترنت و شبکه‌های مجازی پخش
کنند نه از طریق رادیو و تلویزیون‌ها. این مسأله موجب
کاهش میزان پیام‌های بازرگانی رادیو و تلویزیون‌ها
شده است. (یحی کمالی - دانشگاه آزاد - ۱۳۹۴)

کرستوفرهارپر در کتاب رسانه‌های نوین می‌نویسد،
تبلیغات از طریق اینترنت، یکی از عوامل بحران اقتصادی
رادیو و تلویزیون‌ها است. چون تاجران می‌توانند از
طریق اینترنت تبلیغات خود را راحت‌تر و دقیق‌تر نشر
کنند. به‌خاطری که اینترنت نسبت به رسانه‌های سنتی، از
ویژه‌گی‌ها و مزایایی زیادی نسبت به رسانه‌های سنتی
برخوردار است. (کرستوفرهارپر، تهران، نشر علم، ۱۳۹۱)
نظریه هربرت اشلر این است که پیشرفت و توسعه
اطلاعاتی هم بالای اقتصاد خود رسانه‌ها و هم بالای
اقتصاد مردم تأثیر گذاشته است. آتشبار اطلاعات و
تبلیغات همه بخش‌های زندگی مردم را فرا گرفته و
نمی‌دانند که چه کار کنند. ما در بزرگترین عصر اطلاعات
و تبلیغات قرار گرفته ایم. تبلیغات بزرگترین منبع تغذیه
رسانه‌ها به شمار می‌رود. (ویستر، ۱۳۸۰)

مدیریت رسانه
به مجموعه تلاش‌های فکری و عملی برای انجام بهتر
کارهای رسانه‌یی با هزینه کمتر و سرعت بالاتر، مدیریت
گفته می‌شود. برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نظارت، رهبری،
از ارکان مهم مدیریت رسانه‌ها به‌شمار می‌رود.

دیدگاه‌ها و نظریات کارشناسان
دیدگاه جانکین در رابطه به نظام اقتصادی رسانه‌ها و
منابع مالی آن این است که بیشتر رسانه‌ها و بنگاه‌های
رسانه‌یی دنبال سود بیشتر هستند و تلاش می‌کنند که
برنامه‌های جذاب و دیدنی تهیه و پخش کنند (کین جان
انتشارات طرح رنو، سال ۱۳۹۳) محصولات رسانه‌یی باید
مطابق سلیقه‌ها و خواسته‌های مردم باشد تا به فروش
برسد و پیام‌های بازرگانی را جلب کند. سیاست‌های
رسانه‌یی باید در مسیر اقتصاد و جلب سرمایه روی
دست گرفته شود. کسانی که هزینه یک رسانه را متقبل

ضعیف باشد، از یک سو نمی‌تواند خبرنگاران
خوب را جلب و جذب کند و از طرف دیگر اداره
و سیاست آن بالای کارمندان بسیار ضعیف می‌شود.
مشکلات اقتصادی حتی به اندازه بالای تلویزیون‌ها
و رسانه‌ها اثرگذار است که باعث سقوط آن می‌گردد.
با سقوط یک رسانه (چاپی، تصویری و صوتی) شماری
از کارمندان و خبرنگاران که در آن مشغول کار هستند،
بیکار می‌شوند. در سال‌های اخیر برخی از خبرنگاران
به‌خاطر عدم دریافت حقوق کافی از سوی رسانه‌ها،
دست از کارهای خبرنگاری کشیدند.
اگر مشکلات اقتصادی رسانه‌ها حل گردد، در نتیجه
کیفیت تولیدات و کالای رسانه‌یی بالا می‌رود. بهبود
کیفیت کالای رسانه‌یی، باعث به وجود آمدن تغییرات
مثبت در زندگی مردم افغانستان و تقویت ارزش‌های
دموکراسی در این کشور می‌شود.

در این تحقیق ابتدا عوامل به‌وجود آورنده بحران مالی
رسانه‌ها شناسایی گردیده و به دنبال آن راهکارهای موثر
در جهت حل این مشکل ارایه شده است. مخاطبان
اصلی این تحقیق مسوولان و مدیران رسانه‌ها، تاجران
ملی، دولت مردان و سازمان‌های کمک‌کننده در عرصه
رسانه‌ها در افغانستان است. البته در قسمت بازار تولیدات
رسانه‌یی مانند: فلم، مستند، موسیقی، گزارش، خبر و ...
، شهروندان افغانستان نیز شامل می‌گردد.
طرح مسأله تحقیق این است که: اقتصاد متضمن دوام
و بقای رسانه‌ها است و از تأثیرات عمیق در کیفیت و
محتوای برنامه‌ها برخوردار است. در سال‌های اخیر،
بحران مالی و اقتصادی بدون سر و صدا چراغ یک
تعداد از رسانه‌ها را خاموش کرده و تعدادی را وابسته
سیاست‌های ناپاک و بلندگویی سیاست‌مداران کرده
است. در این اواخر به شدت گناه مرگ اقتصادی
رسانه‌ها و بحران فرار خبرنگاران در افغانستان هستیم.
متأسفانه تاکنون این مسأله مهم از نظر تیزبین محققان و
پژوهشگران دور مانده است.

هدف اصلی این تحقیق بررسی نقش اقتصاد در کیفیت
تولیدات رسانه‌یی در افغانستان است. هدف‌های دیگری
که در این تحقیق دنبال می‌شود، شناسایی عوامل بحران
اقتصادی رسانه‌ها، بررسی عوارض و پیامدهای آن بالای
شبکه‌های تلویزیونی و آزادی بیان و ارایه راهکارها و راه
حل‌ها برای حل مشکلات اقتصادی تلویزیون‌ها است.
بخش نظری و مفهومی تحقیق
۱- اقتصاد رسانه چیست؟

استادان و کارشناسان علوم ارتباطات از اقتصاد رسانه
تعریف‌های زیادی ارایه کرده‌اند که در این قسمت چند
نمونه آن ذکر می‌شود.
رابرد پیکارد: از نظر این دانشمند اقتصاد رسانه‌ها به امری
چگونگی تأمین خواسته‌ها و نیازهای مخاطبان و تبلیغ
گران رسانه گفته می‌شود. آلبارن می‌نویسد: چگونگی
استفاده صنایع رسانه‌یی از منابع کمیاب، برای تولید
محتوا جهت تأمین خواسته‌ها و نیازهای جامعه، اقتصاد
رسانه گفته می‌شود. الکساندر: اقتصاد رسانه به عملیات
کسب و کار و فعالیت‌های مالی بنگاه‌های تولید کننده و
فروشنده محصول در صنایع مختلف رسانه‌یی اشاره دارد.
علم اقتصاد رسانه مربوط به سیاست‌ها و عملکردهای
اقتصاد بنگاه‌های رسانه‌یی و موضوعاتی مانند: صنعت
خبر، تولید برنامه‌های مختلف، فیلم، ارتباطات سیار و
انترنت می‌شود. (موسایی - اقتصاد رسانه - ۱۳۹۴)

۲- محصولات رسانه‌یی: منظور از محصولات رسانه اثر
و خدماتی است که رسانه‌ها برای مخاطبان خود انجام
می‌دهد. تولید اخبار، برنامه‌های متعدد، موزیک، فیلم،
کتاب، مستند و ...، محصولات رسانه‌یی گفته می‌شود.
طبق تعریف دیگر محصولات رسانه‌یی خدماتی است
که بنگاه‌های رسانه‌یی تولید و توزیع می‌کنند که مطابق
تقاضای مخاطبان است. (کتاب اقتصاد رسانه - ۱۳۹۴)،
۳- تقاضا در اقتصاد رسانه: محصولاتی است که در یک روز
و زمان معین مصرف کننده‌گان قادر به خرید آن هستند.

چکیده
طرح مسأله تحقیق؛ توسعه رسانه‌ها یکی از دست‌آوردهای
دولت در بخش آزادی بیان و تکثر اندیشه‌ها در افغانستان
به‌شمار می‌رود. در حالی که در دیگر کشورها این چنین
آزادی بیان و اندیشه وجود ندارد و مردم از دسترسی به
رسانه‌های آزاد محروم اند. بنابراین، مراقبت و محافظت
از این دست‌آوردهای بزرگ یک مسأله کلان ملی به‌شمار
می‌رود. اما متأسفانه در سال‌های اخیر مشکلات متعدد
از جمله مشکلات اقتصادی چراغ تعدادی از رسانه‌ها
را خاموش ساخته است. در این مقاله در باره عواملی
به وجود آورنده، شدت بخشنده و راه حل‌های اقتصاد
رسانه‌ها پرداخته شده و مهمترین سوال این است که
رابطه مشکلات مالی با پایین آمدن کیفیت رسانه‌ها
چیست؟ این تحقیق به هدف بررسی نقش بحران
اقتصادی در پایین آمدن کیفیت رسانه‌ها و ارایه راهکارها
برای حل آن انجام شده است.

روش انجام تحقیق؛ در این مقاله از روش‌های تحلیلی،
توصیفی، اسنادی و کتابخانه‌یی و چکیده درس‌ها و
بحث‌های کلاس اقتصاد رسانه توسط دکتر موسایی
استاد دانشگاه علامه طباطبایی تهران و کتاب ایشان
تحت عنوان «اقتصاد رسانه» استفاده شده است. روش
کتابخانه‌یی در برگزیده مطالعه، نقد، ترکیب و باز
آفرینی کتاب‌ها، پژوهش‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های
بوده که از زاویه‌های مختلف به مقوله‌های این تحقیق
پرداخته‌اند. علاوه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌یی،
چشم‌دیدهای خود نویسنده به عنوان نویسنده و خبرنگار
در برخی از رسانه‌های افغانستان نیز، درج گردیده است.
نتایج به‌دست آمده؛ وضعیت رسانه‌ها با شاخص‌های
زیادی قابل سنجش است که مهمترین شاخص آن اقتصاد
و درآمدزایی است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که
بین درآمدزایی رسانه‌ها و کیفیت محتوای آن رابطه
وجود دارد. در افغانستان بیشتر رسانه‌ها به‌خاطر بحران
مالی و کاهش درآمدزایی با خطر سقوط مواجه شده‌اند.
بی‌توجهی‌ها در این زمینه و کاهش کمک‌های اقتصادی
با رسانه‌ها، از مهمترین عوامل بحران مالی رسانه‌ها
است. بحران مخاطب، بیکاری روزنامه‌نگاران و فرار
آنان از کشور و سقوط رسانه‌ها از پیامدهای منفی بحران
مالی رسانه‌ها است.

واژه‌گان کلیدی: اقتصاد، رسانه، کیفیت تولید، چالش‌ها و راهکارها

مقدمه
در این اواخر دامنه نفوذ رسانه‌ها و موثرت آن هر روز
در زندگی مردم بیشتر شده می‌رود و رسانه‌ها به یک
وسيله مطلوب برای مهندسی افکار و رضایت عمومی
تبدیل شده است. رگبار تبلیغات و اطلاعات فرصت‌های
فکر کردن و زنده‌گی کردن به‌شکل عادی را از مردم
گرفته است. با توجه به این مسأله، آسیب‌شناسی و
رهافت‌های رسانه‌یی به‌ویژه تلویزیون‌ها در افغانستان،
یکی از مسایل مهم و ضروری تحقیقی به‌شمار می‌رود. از
سوی دیگر، اقتصاد رسانه به حیث یکی از مضمون‌های
مهم رشته تحصیلی، در دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی
تدریس می‌شود. این تحقیق کوششی است برای یافتن
فرضیه‌های مناسب در تبیین عوامل موثر بر اقتصاد
رسانه‌ها در افغانستان و پیدا کردن متغیرهای مستقل و
وابسته‌یی که بتواند تحقیق را توصیف کند. مهمترین
اثری که بر این تحقیق محتمل است، آغاز کار در زمینه
مسأله رسانه‌ها از سوی دیگر پژوهشگران است.
اقتصاد و درآمدزایی رسانه‌ها از کلیدواژه‌های مهم به‌کار
رفته در این تحقیق است. تمامی مطالبی این تحقیق
در خدمت تشریح و تبیین این دو واژه کلیدی است.
به‌خاطری که درآمدزایی موثرترین عامل تعیین کننده در
رسانه‌های افغانستان است. در ده سال گذشته دیده شد که
اگر یک رسانه دارای پشتوانه قوی مالی و اقتصادی باشد،
می‌تواند کارمندان و خبرنگاران مسلکی، مخاطب‌مدار
و با تجربه را استخدام کند. اما اگر از لحاظ اقتصادی

دفاع وزارت:

د افغانستان سرتېرو د مرگ ژوبلې د مخنيوي ستراتيژي بڼه نتیجه ورکړې



اشرف غني څه موده وړاندې په تېرو څلورو کلونو کې د ۲۸ زره پولیسو او د ملي اردو د ځواکونو د وژل کېدو خبره وکړه.

تر دې مخکې نیویارک ټایمز ورځپاڼې په یوه مطلب کې لیکلي وو چې یوازې د نومبر له نهمې تر پنځلسمې لږترلږه ۲۴۲ افغان پوځیان وژل شوي دي.

د ورځپاڼې په خبره، د ولسمشر غني له خوا د دغو اعلان شویو شمېرو له مخې، هره ورځ ۲۵ افغان سرتېري چې په اوونۍ کې ۱۷۵ تنه کېږي، وژل کېږي.

د جگړې په ډگر کې د افغان ځواکونو د مرگ ژوبلې د کچې لوړېدو وروسته د افغانستان ولسي جرگې څو ورځې وړاندې د افغانستان د دفاع او کورنیو چارو وزیرانو څخه په استجوابه غونډه کې وغوښتل چې له هرو ممکنو لارو د ځواکونو تلفات راکم کړي.

که څه هم د افغانستان دفاع وزارت د جگړې په ډگر کې د افغان سرتېرو د مخنيوي ستراتيژي ګټوره بولي، خو د پوځي چارو کارپوه عتیق الله امرخېل بیا وايي چې دغې ستراتيژۍ تر دې مهاله کومه مثبتې ګټه نه ده لرلې.

ده وویل: «کوم پلان چې دوی طرحه کړ چې له ځینو ځایونو نه یې پوستې را وویستی او ځینې نور کارونه یې وکړل، تر اوسه یې کومه مثبتې نتیجه نه ده ورکړې، ابتکار اوس هم د طالب او دښمن په لاس کې دی، لومړنۍ حملې هغوی کوي، دا چې دوی ویل چې مور به تعرض کوو او دښمن تعقیوو، هغه تر اوسه نشته، یعنې اوس هم هغوی حمله کوي او دوی دفاع کوي.»

د دفاع وزارت شواخوا یوه اوونۍ وړاندې د جگړې په ډگر کې د افغان سرتېرو د مرگ ژوبلې د مخنيوي په هدف د یوې ستراتيژۍ د جوړېدو خبره وکړه.

د دغه وزارت د معلوماتو له مخې، د دغې ستراتيژۍ پر بنسټ کوچنۍ امنیتي پوستې له لویو مرکزونو سره یو ځای کېږي او د افغان ځواکونو په تهاجمي حملو کې هم زیاتوالی راځي.

دا شان ویل شوي چې د نوې ستراتيژۍ په چوکاټ کې د دولت د وسله والو مخالفینو پر وړاندې د افغان ځواکونو کومانډويي او هوایي عملیات هم زیاتېږي.

د افغانستان دفاع وزارت وايي، د جگړې په ډگر کې د افغان سرتېرو د مرگ ژوبلې د مخنيوي ستراتيژۍ بڼه نتیجه ورکړې.

دغه وزارت د جگړې په ډگر کې د افغانستان سرتېرو د مرگ ژوبلې د مخنيوي ستراتيژي ګټوره بولي او پر لا پیاوړتیا یې ټینګار کوي.

د دغه وزارت ویاند غفور احمد جاوید ازادي راديو ته وویل چې د دغې ستراتيژۍ په پلي کېدو سره افغان ځواکونه د جگړې په ډگر کې ښې لاسته راوړنې لري او وسله والو مخالفینو ته یې زیات تلفات هم اړولي دي.

دی وايي: «په ډېرو سیمو کې مور ښې لاسته راوړنې لرو، په یو شمېر سیمو کې وړې پوستې ټولې شوي او په لویو بیسونو بدلې شوي دي، په ټوله کې د دغې ستراتيژۍ اغېز یو څه ښه دی، د عملي کېدو او پیاوړتیا لپاره مور لا هڅې کوو، څو موثریت یې لا ډېر شي.»

ښاغلی جاوید وايي، د یادې ستراتيژۍ له مخې په کنډز، غزني، بغلان او د هېواد یو شمېر نورو سیمو کې افغان ځواکونو بریالي عملیات کړي او او زیات شمېر سیمې یې له وسله والو مخالفینو پاکې کړي دي.

دا په داسې حال کې ده چې د افغانستان دفاع وزارت شواخوا یوه اوونۍ وړاندې د جگړې په ډگر کې د افغان سرتېرو د مرگ ژوبلې د مخنيوي په هدف د یوې ستراتيژۍ د جوړېدو خبره وکړه.

د دغه وزارت د معلوماتو له مخې، د دغې ستراتيژۍ پر بنسټ کوچنۍ امنیتي پوستې له لویو مرکزونو سره یو ځای کېږي او د افغان ځواکونو په تهاجمي حملو کې هم زیاتوالی راځي.

دا شان ویل شوي چې د نوې ستراتيژۍ په چوکاټ کې د دولت د وسله والو مخالفینو پر وړاندې د افغان ځواکونو کومانډويي او هوایي عملیات هم زیاتېږي.

د افغانستان دفاع وزارت وروسته له هغه د جگړې په ډگر کې د افغانستان سرتېرو د مرگ ژوبلې د مخنيوي د ستراتيژۍ د جوړېدو خبر ورکړ چې ولسمشر محمد

مرزهای فتوا

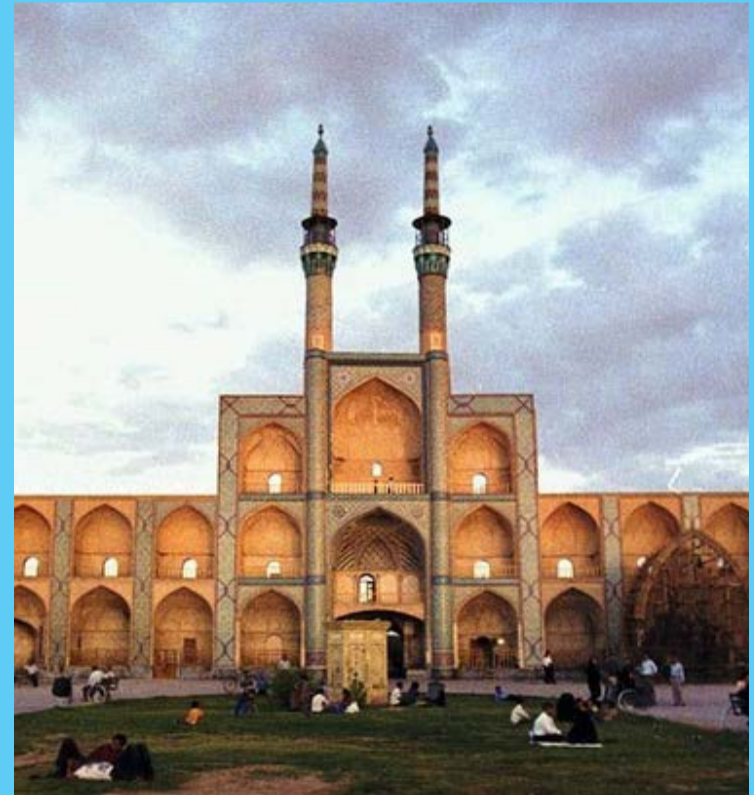
دکتر کمال الدین حامد - استاد دانشگاه

بخش سوم

چرا فتوای سیاسی این قدر خیرساز می شوند؟
اصل مسأله مبانی سیاسی یک فتوای سیاسی می باشد که تعیین کننده جهت یک «فتوا» شناخته می شود و این مبانی به شدت در تضاد است با مبانی سیاسی امروز و به همین لحاظ فتوای مبتنی بر آنها در تقابل با وضعیت و مصالح سیاسی روز قرار می گیرد و دولت‌ها ناچار به استخدام و یا سوء استفاده از مفتی اعظم‌ها دست می یازند. مبانی سیاسی ذیل به عنوان جهت‌دهنده‌های فتوای آزاد شناخته می شوند:

۱. «اصل نظام اسلامی یگانه» نظام شرعی اسلامی در الحال نتوانسته است که مشروعیت نظام‌های سیاسی موجود در کشورهای اسلامی را به صراحت توجیه

مبانی سیاسی و اجتماعی فتوا معمولاً فتوای خیرساز می شود که اثرات رسانه‌یی و یا عینی در سطح جهان و به‌ویژه حوزه سیاست داشته باشد. شاید برابر با فتوای امام خمینی علیه سلمان رشدی (نویسنده بریتانیایی هندی‌تبار) هیچ فتوای دیگری خیرساز نشده باشد. دلیل آن روشن بود چون برای نخستین بار یک حکومت دینی با تکیه بر مبانی حقوقی شرعی اعلام حکم پیرامون یک مسأله خارج از سلطه مستقیم سیاسی خود می زد. همین‌گونه فتوای اسامه بن لادن در سال (۱۹۹۸) علیه امریکا در عصر حاضر از فتوای خیرساز و تأثیرگذار بر روابط جنگ و صلح تلقی می شود. روی همین ملحوظ می توان گفت که فتواها در حوزه «حقوق خصوصی» همیشه



کند و هنوز که هنوز است مبتنی بر اصل اعتقادی «امت واحده» اصل سیاسی «دولت یگانه» تنها نظام مشروع اسلامی شناخته می شود و روی هم رفته مسلمانان تحمل نظام‌های موجود را داخل مرزهای استعماری حاضر یک ناگزیری می دانند. این ناگزیری قاعده قهقی «تغلب» را به میان می کشد که دولت‌های فعلی در حقیقت امر مشروعیت نمی یابند. گرچه علمای مسلمان به لحاظ اثرات عینی جوامع امروزی به دولت یگانه اسلامی به صورت یک تیوری می بینند، اما نتوانسته‌اند که به مشروعیت نظام‌های موجود نیز تصریح کنند. براساس این مبنا فتواها مرزهای موجود را به ساده‌گی در می نوردد و بر مبنای «تیوری جهان اسلام» عمل می کند.

در جریان اند، اما خیرساز نمی گردد. تنها در حوزه «سیاست» است که یک فتوا می تواند اثر قابل ملاحظه‌یی بر جریان روابط اجتماعی بگذارد. برخی دولت‌های مسلمان با توجه به این مخاطره همیشه یک دم و دستگاه رسمی برای فتوا ایجاد کرده‌اند ولو به صورت نمادین از آن در جهت کم کردن آثار و پیامدهای فتوای خاصه در حوزه سیاست استفاده می کنند مانند مفتی اعظم در مصر، سعودی، سوریه و امثال آن. از این مقامات در جهت دور زدن فتوای مستقل استفاده می شود و از جانبی هم برای شان جایگاه شرعی با حمایت دولت تراشیده می شود. چرا دولت‌ها از فتوای سیاسی می ترسند؟